

بررسی اجمالی «انتخابات ریاست جمهوری» «حزب الله» حاکم در ایران

طبق گزارش سازمانهای خبری «حزب الله» یا رژیم اسلامی در ایران و ژورنالیست های نوکر صفت بورژوازی اروپا (سوئد) اعلام کردند که «۸۵ درصد»!!! از افرادی که حق رأی دارند، یعنی از تقریباً ۵۰ میلیون نفری که حق رأی دارند تقریباً ۴۲،۵ میلیون نفر در «انتخابات ریاست جمهوری» ایران در روز ۲۲ خرداد «شرکت کردند».

به هر صورت طبق این گزارش تقریباً ۱۵ درصد یا تقریباً ۷،۵ میلیون نفر از افرادی که حق رأی دارند در این رأی گیری «حزب الله» شرکت نکردند. و اما از «۸۵ درصد» شرکت کننده در «انتخابات ریاست جمهوری» «حزب الله» تقریباً ۲۳ درصد دیگر یعنی تقریباً ۱۶ میلیون نفر با رأی دادن به افرادی که منتخب «ولایت فقیه» یا رهبری «حزب الله» نیستند رأی دادند که در واقع یعنی با خط مشی یا سیاستهای «ولایت فقیه» یا رهبری یا لیدر «حزب الله» مخالف هستند. عبارت دیگر ۱۶ میلیون از رأی دهندگان به کاندیداهایی رأی دادند که ظاهراً با سیاستهای رهبری «حزب الله» مخالف هستند. در هر صورت مجموعاً طبق آمار ارائه شده توسط ارگانهای رسمی «حزب الله» تقریباً ۲۳،۵ میلیون نفر از کسانی که حق رأی دارند مخالف سیاستهای رهبری یا «ولایت فقیه» «حزب الله» هستند. طبق آمار ارگانهای حاکم «حزب الله»، یک جمعیت ۲۳،۵ میلیون نفری مخالف سیاستهای اقتصادی، حقوقی، نظامی، اجتماعی و غیره رژیم حاکم هستند.

اینکه آمار شرکت کننده در انتخابات چقدر درست باشد هیچ سند موثق یا تأیید شده‌ای وجود ندارد. عبارت دیگر بجز «حزب الله» هیچ ارگان دیگری در شمارش شرکت کنندگان در این «انتخابات» و نسبت آراء رأی دهندگان به کاندیداهای «حزب الله» دخالت نداشتند و نمیتوانستند هم دخالت داشته باشند، زیرا در اصل انتخاب رئیس جمهور توسط اعضای «حزب الله» میبایستی از طریق انتخابات درون تشکیلاتی «حزب الله» صورت گیرد نه از طریق انتخابات بیرون تشکیلاتی «حزب الله» یا بصورت عمومی، یعنی «حزب الله» میبایستی در یک انتخابات درون تشکیلاتی فردی را از بین اعضاء «حزب الله» برای ریاست جمهوری کشور انتخاب و به جامعه معرفی میکرد و بس. ولی «حزب الله» برای فریب مردم انتخاب فرد مورد نظر خود را بعنوان «انتخابات ریاست جمهوری» کشور معرفی کرد تا به آن جنبه عمومی و بدینطریق حاکمیت «حزب الله» را جنبه قانونی بدهد. کوتاه سخن، عبارت دیگر هنوز انتخابات دموکراتیک برای انتخاب ریاست جمهوری کشور ایران برگزار نگردید، زیرا تاکنون بجز یک تشکل سیاسی هیچ تشکل سیاسی دیگری در

«انتخابات ریاست جمهوری» شرکت نداشت. حال اینکه آیا کاندیداهای دیگر «حزب الله» که در این انتخابات (تشکیلاتی) شرکت داشتند و افرادی که مخالف خط مشی «حزب الله» و رهبری یا «ولایت فقیه» فعلی آن هستند انشعاب کنند و یا غیره مسئله دیگری است که این یک مسئله درون تشکیلاتی است و هیچ ربطی به بیرون تشکیلات «حزب الله» ندارد. ولی مسئله توده مردم چیز دیگری است که از نظر ما از جمله سرنگونی نظام استبدادی در جهت برقراری نظام دموکراتیک در جامعه است.

به هر رو اعتراضات و تظاهراتهای مردم خشمگین بعد از انتخابات، خود گویای این حقیقت است که چند درصد از مردم خواستار حاکمیت رژیم حاکم هستند. نه اینکه رژیم حاکم در مورد «انتخابات ریاست جمهوری»!!! چه میگوئید یا چه گزارش میدهد. بطور واقعی اگر اکثریت مردم خواستار «حزب الله» و یا رژیم حاکم باشند هیچ دلیلی ندارد که رژیم حاکم سرکوب و خفقان، سانسور، دستگیری، به زندان انداختن فعالین سیاسی و غیره را در جامعه برقرار کند.

ازاینرو نتیجه «انتخابات» را که «حزب الله» خیلی سریع در همان روز «انتخابات» اعلام کرد جز آمار دروغینی بیش نیست، زیرا زمانی نتیجه آمار انتخاباتی مورد قبول و تأیید قرار می گیرد که حداقل یک تشکیلات بی طرف و یا تشکل های شرکت کننده با سند نتیجه انتخابات را تأیید کنند و بتوانند با سند به هر تشکل مراجعه کننده ای نشان دهند. اما تاکنون در این «انتخابات» حتی افراد کاندید شده و منتخب «حزب الله» نیز نتیجه «انتخابات» را قبول ندارند. بنابراین مبارزه علیه رژیم حاکم یا «حزب الله» تا زمان ازجمله برقراری آزادیهای سیاسی بی قید و شرط و انتخابات واقعی به اشکال مختلف ادامه دارد. همچنین اتحادیه مارکسیستها اعلام میکند:

- ۱- کلیه فعالین سیاسی و معترضین رژیم جمهوری اسلامی باید بی قید و شرط آزاد گردند،
- ۲- آزادی فعالیت سیاسی تشکل های سیاسی باید بی قید و شرط به اجرا گذاشته شود،
- ۳- برگزاری انتخابات واقعی بی قید و شرط به اجرا گذاشته شود.

مسئله دیگری که باید بر آن تأکید شود مسئله انتخاب عنوان یا نام رهبری یک تشکیلات سیاسی و مسئله نظام استبدادی است. زیرا این دو موضوع مختلف را تشکل های سیاسی باهم مخلوط کردند و این در نظراتشان بوضوح مشخص است، یعنی تشکل های سیاسی که در واقع باید علیه نظام استبدادی مبارزه کنند علیه رهبری تشکل های سیاسی مبارزه میکنند ولی مدعی اند که علیه «استبداد» مبارزه میکنند.

اینکه یک تشکیلات سیاسی رهبری تشکیلات خود را چه می نامد به خود آن تشکیلات مربوط

است. شاید یک تشکل سیاسی رهبری تشکیلات خود را «امام» بنامد، «ولایت فقیه» بنامد، «لیدر» بنامد، سخنگو بنامد، دبیر بنامد و غیره. این مسئله به خود همان تشکل سیاسی مربوط می شود نه جامعه و یا تشکل سیاسی دیگر. و اما اشکالات دیگر این شیوه مبارزه این است که اینان در واقع با مبارزه علیه «ولایت فقیه» علیه وجود یک رهبر برای یک تشکیلات، که البته شامل تشکیلات خودشان هم میشود هستند و از طرف دیگر در واقع به معنی این است که موافق حاکمیت «حزب الله» و امثال «حزب الله» در جامعه هستند منتها مخالف رهبری یا «ولایت فقیه» یا دبیر یا لیدر تشکیلات هستند. بنابراین برای اینکه در این مبارزه سیاسی مسائل با هم مخلوط نشوند و اگر نوک تیز حمله علیه نظام استبدادی است باید مبارزه علیه رهبری یا «ولایت فقیه» یا لیدر و غیره را با مبارزه علیه نظام استبدادی جدا کرد. برای اینکه تشکل های سیاسی که علیه رژیم جمهوری اسلامی یا تشکل «حزب الله» حاکم که بزور نه با آراء مردم در ایران حاکم است مبارزه میکنند باید بروشنی چهارچوب یک نظام دموکراتیک را مطرح کنند نه اینکه دائماً مدعی شوند که علیه «نظام ولایت فقیه» هستند که همانطور که فوقاً مطرح کردم این مسئله هیچ ربطی به مبارزه علیه نظامهای استبدادی ندارد. اتحادیه مارکسیستها همانطور که در قطعنامه خود مطرح کرد یکی از اهداف مبارزاتی اش از بین بردن ساختار یا نظام استبدادی جامعه است و همه تشکل های سیاسی مخالف نظام استبدادی را حول قطعنامه اتحادیه مارکسیستها که در جهت برقراری نظام دموکراتیک در جامعه است فرا میخواند.

همچنین اعضا و هواداران اتحادیه مارکسیستها باید انجمنها و حوزه های مخفی، شوراها محلی و سراسری کارگری مخفی و اتحادیه های مخفی را بدون وقفه در سراسر کشور سازمان دهند. در خارج کشور اعضای اتحادیه مارکسیستها ضمن سازمان دادن انجمن های محلی (شهری) در هر حرکت اعتراضی سیاسی مشترک با نام مستعار تشکیلاتی و یا با نام انجمن محلی اتحادیه مارکسیستها چنانچه اکثر اعضای انجمن محل موافق آن باشند در جلسات عمومی تشکل های سیاسی اپوزیسیون شرکت کرده و بعنوان افرادی سیاسی جدی یعنی غیر آنارشیستی و غیر احساساتی تبادل نظر و تصمیم گیری کنند، یعنی قبل از هر حرکت سیاسی اعتراضی و غیره مشترک با نمایندگان محلی (شهری) تشکلهای سیاسی اپوزیسیون جلسات مشترک برگزار کرده، و در صورت لزوم کمیته مشترکی که نام شرکت کنندگان تشکل های سیاسی اپوزیسیونی، آدرس یا امیل های همه شرکت کنندگان تشکل های سیاسی اپوزیسیون مشخص شده باشد، ایمیل مشترکی نیز مشخص شده باشد و بر سر انتخاب شعارها و مطالبات و غیره مشترک هر دوره تبادل نظر و

پذیرفته شده باشد شرکت کنند و یا اینکه با نام و شعارها و مطالبات تشکیلاتی خود در حرکت های اعتراضی شرکت کنند. نه اینکه وقتی یک تشکل سیاسی در هر زمانی که دلش خواست فراخوان عمومی میدهد و بلافاصله خواستار شرکت «همه» از جمله تشکل های سیاسی در حرکت اعتراضی مورد نظر آن تشکیلات است شرکت کنند. برای جلوگیری از این نوع اعمال یک سری تشکل های سیاسی و ضمن افشای اعمال آنها با تشکل هایی که موافق اتحاد عمل حول چهارچوب تشکیلاتی مستقل هستند علیه رژیم حاکم تشکل محلی مشترکی را سازماندهی کنید. اتحادیه مارکسیستها در حرکت های اعتراضی که فقط از طرف یک تشکل سیاسی فراخوان داده شده باشد و در سازماندهی و برگزاری آن دخالتی نداشته باشد شرکت نمی کند. اتحادیه مارکسیستها مردم جامعه را جزو طبقات اجتماعی برسمیت می شناسد و آزادی فعالیتهای سیاسی تشکیلاتی آنان و استقلال تشکیلاتی آنان را در جامعه برسمیت می شناسد. فراخوان اتحاد عمل باید کتبی بعنوان سند سیاسی بخصوص برای برگزاری هر حرکت اعتراضی سیاسی و غیره چه محلی و چه سراسری از قبل رسماً و علناً برای تمام تشکل های سیاسی در جهت برگزاری جلسات مشترک بموقع در جهت تعیین شعارها، مطالبات، تقسیم کارهای فنی و تدارکاتی و غیره آن ارسال گردد. بنابراین از همین حالا باید برای سازماندهی تشکل محلی (شهری) مشترک جلساتی توسط نمایندگان تشکل های سیاسی برگزار و چارچوب تشکیلاتی آن تعیین و رسمی شود.

* اتحادیه مارکسیستها

حجت برزگر

* تاریخ: ۱۳۸۸/۰۳/۲۴ (۲۰۰۹/۰۶/۱۴ میلادی)

* آدرس تماس الکترونیکی اتحادیه مارکسیستها:

melh9000@yahoo.com و melh9000@comhem.se ، melh9000@tele2.se